

آنسیکلوپدی:

دایرةالمعارف پرفروش قرن هجدهم



در سال ۱۷۵۱ هنوز اولین جلد نخستین چاپ آنسیکلوپدی دیدرو، بزرگترین اثر تألیفی عصر روشنگری به دست مشترکان آن نرسیده بود که مقامات حکومت فرانسه دریافتند با کتاب خطرناکی سروکار دارند.

نه تنها کتاب درباره همه چیز، از الف تا ی توضیح می‌داد، بلکه دانش را بر پایه اصول فلسفی چندی که آنها را دالامبر، سرویراستار مشترک کتاب در «گفتار نخستین» تشریح کرده بود عرضه می‌کرد. هرچند دالامبر رسماً اقرار به اقتدار کلیسا داشت اما جای هیچگونه تردیدی باقی نمی‌گذاشت که به نظر او دانش از حواس آدمی سرچشمه می‌گیرد نه از وایتیکان یا از کتاب مکاشفات بوحتی. عامل بزرگ تنظیم‌کننده، عقل است که با همکاری حافظه، و تخیل، دو قوه دیگر ذهن، اطلاعات دریافت شده از حواس را ترکیب می‌کند. بدین سان هرچه انسان می‌داند از جهان پیرامون او و اعمال ذهن خودش نشأت می‌گیرد.

آنسیکلوپدی همین نکته را به زبان تصویر نیز بیان می‌کرد. در تصویری از درخت دانش نشان داده شده بود که چگونه همه هنرها و علوم از قوای سه‌گانه ذهن روییده‌اند. فلسفه تنه درخت را تشکیل می‌داد، در حالی که الهیات بر شاخه دوردستی در همسایگی جادوگری نشسته بود. دیدرو و دالامبر حاصل کار خود را تماماً به صورت گسردآوری اطلاعات و در عین حال جلوه‌ای از فلسفه عرضه می‌کردند. قصد ایشان این بود که جنبه‌های دوگانه کتاب را درهم بیامیزند به طوری که چون دو روی یک سکه دیده شود، و همین یعنی «آنسیکلوپدیسیم»؛ و اشخاصی که در این کار دست داشتند به سادگی جمعی همکار و هم‌قلم نبودند بلکه به «اصحاب دایرةالمعارف» معروف شدند که عقیده داشتند آموزش سنتی عملاً چیزی جز تعصب و خرافه پرستی نیست.

از این رو در سطوح زیرین ۷۱'۸۱۸ مقاله بسیار متنوع و ۲۸۸۵ تصویر کتاب که در ۲۸ جلد بزرگ در قطع سلطانی به چاپ رسیده بود یک جابه‌جایی معرفت‌شناختی صورت گرفته بود که چشم‌انداز تمامی دانسته‌های آدمی را دگرگون می‌ساخت.

آنسیکلوپدی محصول زمانه خود، فرانسه نیمه قرن هجدهم، بود که نویسندگان آن نمی‌توانستند آزادانه به طرح مسایل اجتماعی و سیاسی بپردازند، برعکس دوران پیش از انقلاب [۱۷۸۹] که ضعف حکومت اجازه مقدار زیادی مباحثات آزاد را می‌داد. عنصر رادیکال کتاب از پیش‌بینی پیامبرانه انقلاب هنوز دوردست فرانسه یا انقلاب صنعتی سرچشمه نمی‌گرفت بلکه ناشی از سعی آن برای ترسیم نقشه جهان دانش بر اساس مرزبندی جدیدی بود که به حکم عقل، و تنها عقل و بس، تعیین شده بود. آنسیکلوپدی چنانکه در صفحه عنوان آن اعلام شده بود «فرهنگ مستدل علوم، هنرها و حرفه‌ها» بود، یعنی همه جنبه‌های کار و کوشش انسانی به محک معیارهای عقلانی سنجیده می‌شد و از این راه شالوده‌ای برای بازاندیشی جهان فراهم می‌آورد.

مردم آن زمان مشکلی از نظر کشف مقاصد کتاب که آن را مؤلفان در مقالات کلیدی خود به صراحت بیان کرده بودند نداشتند. دیدرو و دالامبر در میان پهنه بی‌آب و علف دانش چنان مسیرهای دلپذیری انتخاب کرده بودند که خواننده می‌توانست این راه‌ها را به سادگی، گلچین گلچین ببیند و در عین حال احساس رضایت کند که به گروه پیش‌نماز روشنفکری عصر خود تعلق دارد. انسان حتی نیاز چندانی به خواندن کتابهای دیگر پیدا نمی‌کرد، چون آنسیکلوپدی برای خودش کتابخانه‌ای بود. ویراستاران کتاب فهرستی از کتابهایی را که از این رهگذر منسوخ شده بود چاپ نکردند، ولی هر کس به «گفتار نخستین» مراجعه می‌کرد اشکالی در تشخیص تفاوت میان مجلدات سنگین آموزش سنتی و مدل سبک‌بال جدید نمی‌داشت. از زمان انتشار جلد اول در سال ۱۷۵۱ تا بحران بزرگ سال ۱۷۵۹، طرفداران آیینهای کهن و رژیم قدیم و یسوعیان و پیروان آیین یسانین و مجمع عمومی روحانیون و پارلمان پاریس و شورای سلطنتی و شخص پاپ آنسیکلوپدی

را مرتباً کوییدند. حمله‌هایی که به صورت مقاله و جزوه و کتاب و فرمانهای رسمی به آنسیکلوپدی می‌شد چنان متعدد و چنان شدید بود که امیدی به بقای آن به نظر نمی‌رسید. اما ناشران کتاب سرمایه‌گذاری هنگفتی روی آن کرده بودند و حامیان نیرومندی داشتند، چون کرتین — گیوم دو لاموایون دو مائزرب، رئیس آزادمنش صنف کتابفروشان که در سالهای بحرانی میان ۱۷۵۰ تا ۱۷۶۳ بر کار فروش کتاب نظارت داشت.

همچنانکه مجلدات ۳ تا ۷ انتشار می‌یافت، سر و صدای مخالفان ادامه داشت و سخنوران ماهری چون شارل پالیسو و ژاکوب نیکولا مورو به نفع کشیشان وارد مجادله شدند و آتش دعوا را دامن زدند. از طرف دیگر ولتر قلم و اعتبار خود را به سود آنسیکلوپدی به کار گرفت. و دیدرو و دالامبر دیدند تعداد فزاینده‌ای از نویسندگان مشهور، مخصوصاً بیشتر اشخاصی که با عنوان «فیلسوف» شناخته می‌شدند به جمع هم‌قلمان می‌پیوندند، کسانی چون دوگلو، توسن، روسو، تورگو، سن‌لامیر، دولباخ، دوباتن، مرموتیل، بولانژه، مورله، کینه، دمیلویل، نژن، ژوکور و گریم. همچنین ادعا

راپرت دارنتن (ROBERT DARNTON) اهل امریکا، استاد کرسی تاریخ اروپا در دانشگاه پرینستون در نیوجرسی است. وی چند کتاب درباره تاریخ فرهنگ فرانسه تألیف کرده است از جمله ادبیات زیرزمینی رژیم قدیم (۱۹۸۲)، کشتار بزرگ گربه‌ها و رویدادهای دیگر در تاریخ فرهنگ فرانسه (۱۹۸۶)، و کسب و کار روشنگری — تاریخ طبع و نشر آنسیکلوپدی: ۱۸۰۰ — ۱۷۷۵ (انتشارات دانشگاه هاروارد، ۱۹۷۹) که مقاله حاضر از آن استخراج شده است.

مجلداتی از اثر بزرگ تألیفی قرن هجدهم فرانسه آنسیکلوپدی یا فرهنگ مستدل علوم، هنرها و حرفه‌ها تألیف دنی دیرو و ژان دالامیر، نخستین چاپ کتاب (۱۷۵۱ تا ۱۷۷۲) در قطع سلطانی به طبع رسید و شامل ۱۷ جلد متن و ۱۱ جلد تصاویر خارج از متن بود.

اولین صفحه مدخل‌های الفبایی آنسیکلوپدی در چاپ نخستین.



ENCYCLOPÉDIE, OU DICTIONNAIRE RAISONNÉ DES SCIENCES, DES ARTS ET DES MÉTIERS.



A & a, f. m. (ordre Encyclopéd.)
Entend. Science de l'homme,
Logique, Art de communiquer,
Grammaire ou figure
de la première lettre de l'Al-
phabète, en latin, en François,
& en presque toutes les Lan-
gues de l'Europe.
On peut considérer ce caracte-
re, ou comme lettre, ou comme mot.
L'A, en tant que lettre, est le signe du son a,
qui de tout les sons de la voix est le plus facile à
prononcer. Il ne fait qu'ouvrir la bouche et pousser
l'air des poumons.
On dit que l'a vient de l'aleph des Hébreux; mais
l'a en tant que son ne vient que de la conformation
des organes de la parole; & le caractère ou figure
dont nous nous servons pour représenter ce son,
mots vient de l'aleph des Grecs. Les Latins & les
autres peuples de l'Europe ont imité les Grecs dans
la forme qu'ils ont donnée à cette lettre. Selon les
Grammaires Hébraïques, & la Grammaire générale
de P. R. p. 12. l'aleph ne sert (aujourd'hui) que pour
l'écrire, & n'a aucun son que celui de la voyelle qui lui
est jointe. Cela fait voir que la prononciation des let-
tres est sujette à variation dans des Langues mortes,
comme elle l'est dans les Langues vivantes. Car il est
constant, selon M. Meissel & le P. Bouhijant, que
l'aleph se prononçoit autrefois comme notre a; ce
qu'ils prouvent fortont par le passage d'Enfabe, Prop.
Ex. liv. X. c. vj. où ce P. soutient que les Grecs ont
pris leurs lettres des Hébreux: Id. ex Grecis sige-
torum elementorum appellatum quibus intelligi. Quid
enim atque ad aliam magis differet? Quid autem vel
beta a beta? &c.
Quelques Auteurs (Covarruvias) disent, que lorf-
que les enfans viennent au monde, les mères font
entendre le son de l'a, qui est la première voyelle de
Tome 2.

A ma, & les filles le son de l'a, première voyelle de
femina: mais c'est une imagination sans fondement.
Quand les enfans viennent au monde, & que peut
la première fois ils pouffent l'air des poumons, on
entend le son de différentes voyelles, selon qu'ils
ouvrent plus ou moins la bouche.
On dit un grand a, un petit a: ainsi a est du genre
spécifique, comme les autres voyelles de toute al-
phabète.
Le son de l'a, aussi bien que celui de l'e, est long
en certains mots, & bref en d'autres: a est long dans
grâce, & bref dans place. Il est long dans tâche quand
ce mot signifie un ouvrage qu'on donne à faire; &
il est bref dans tâche, macula, fumelle. Il est long
dans matin, gros chien; & bref dans matin, premiers
paris de jour. Voyez l'excellent Traité de la Prosodie
de M. l'abbé d'Olivet.
Les Romains, pour marquer l'a long, y écrivent
d'abord double, Aale pour Ala; & ainsi qu'on
trouve dans nos anciens Auteurs François sage, &c.
Enfin ils inséroient un h entre les deux a, Ahalo.
Enfin ils mettoient quelquefois le signe de la syllabe
longue, āa.
On met aujourd'hui un accent circonflexe sur l'a
long, au lieu de l'y qu'on écrivoit autrefois après cet
a: ainsi au lieu d'écrire magis, bisse, asse, &c.
on écrit maître, Aillem, des. Mais il ne faut pas croire
avec la plupart des Grammaticiens, que not peres
n'écrivoient cette f après l'a, ou après toute autre
voyelle, que pour marquer que cette voyelle étoit
longue; ils écrivoient cette f, parce qu'ils la pro-
nonçoient; & cette prononciation est encore en usage
dans nos Provinces méridionales, où l'on prononce
magis, asse, bisse, &c.
On ne met point d'accent sur le laef ou cotinman.
L'a chez les Romains étoit appelé littera salutaris:
littera salutaris. Cic. Artic. 7. parce que lorfqu'il
s'agissoit d'abolir ou de condamner un accusé, les



می‌شد که مونته‌سکیو و بوفن که به آثارشان مرتباً ارجاع داده می‌شد از طرفداران هستند ولی از قرار معلوم این دو هیچکدام مطلبی اختصاصاً برای آنسیکلوپدی ننوشته‌اند.

ادامه مجادله و افزایش صف نویسندگان داوطلب تأثیر بسیار مثبتی بر فروش کتاب داشت. ناشران تیراژ چاپ اول را ۱۶۲۵ دوره تعیین کرده بودند، اما تعداد داوطلبان خرید قبض پیش‌فروش چنان زیاد بود که تیراژ کتاب را سه بار افزایش دادند تا اینکه در سال ۱۷۵۴ به ۴۲۵۵ دوره رسید.

آنسیکلوپدی با هر نوبت تجدید چاپ قطعش کوچکتر و بهایش ارزانتر می‌شد. همچنانکه قطع کتاب تحلیل می‌رفت و از سلطانی به رحلی و از رحلی به وزیر می‌رسید بهای قبض پیش‌فروش کاهش می‌یافت و تیراژ هر چاپ افزایش می‌گرفت. ناشران کتاب پس از اشباع «بازار کیفیت» سعی در دستیابی به گروه وسیعتری از خوانندگان از راه افزایش کمیّت را کردند.

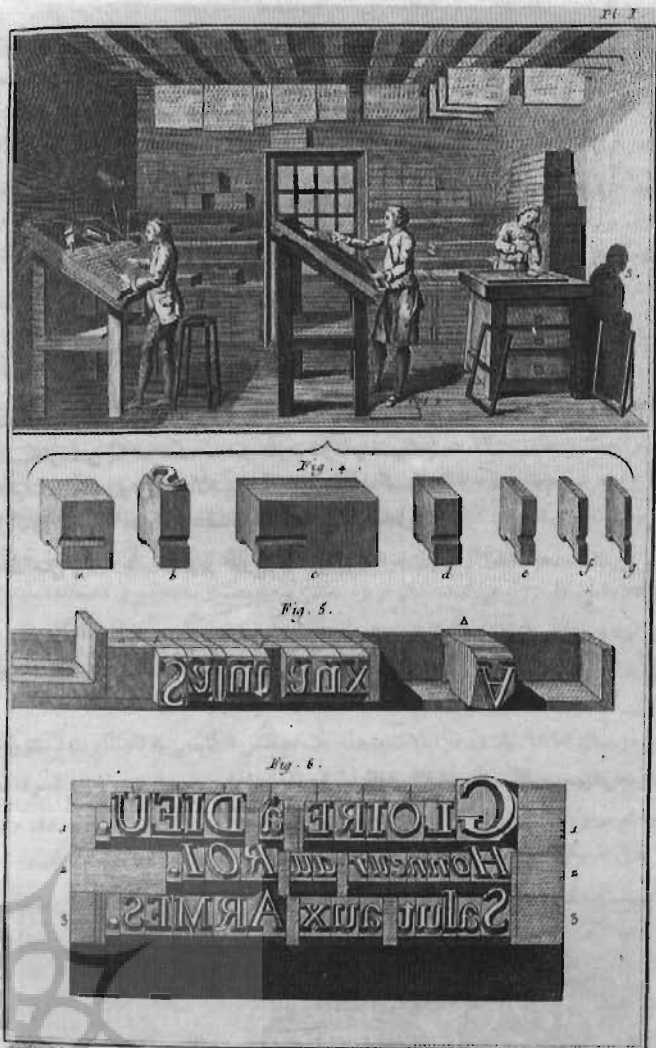
اما «مردمی کردن» آنسیکلوپدی تا حدّ معینی قابل اجرا بود، زیرا بهای ارزانترین چاپ

کتاب نیز در حدی بود که به نظر مردم عادی گران می‌رسید. کتاب بالاتر از قدرت خرید روستاییان و صنعتگران باقی ماند، هر چند که برخی از آنان ممکن است در باشگاه‌های قرائت کتاب به آن مراجعه کرده باشند.

دیدرو و همکاران او کار خود را تمام کرده بودند ولی این تنها آغاز فرایندی طولانی بود که در حدود سال ۱۷۸۰ به تکثیر و توزیع نوشته‌های آنان به مقیاس وسیعی در سرتاسر اروپا منجر گردید. متنی که به دست عامه مردم کتابخوان، اگر نگوییم توده‌ها، رسید قدری با دستنوشته مؤلفان اصلی تفاوت داشت، و این لطمه‌ای بود که فرایند تولید بر آن وارد ساخت.

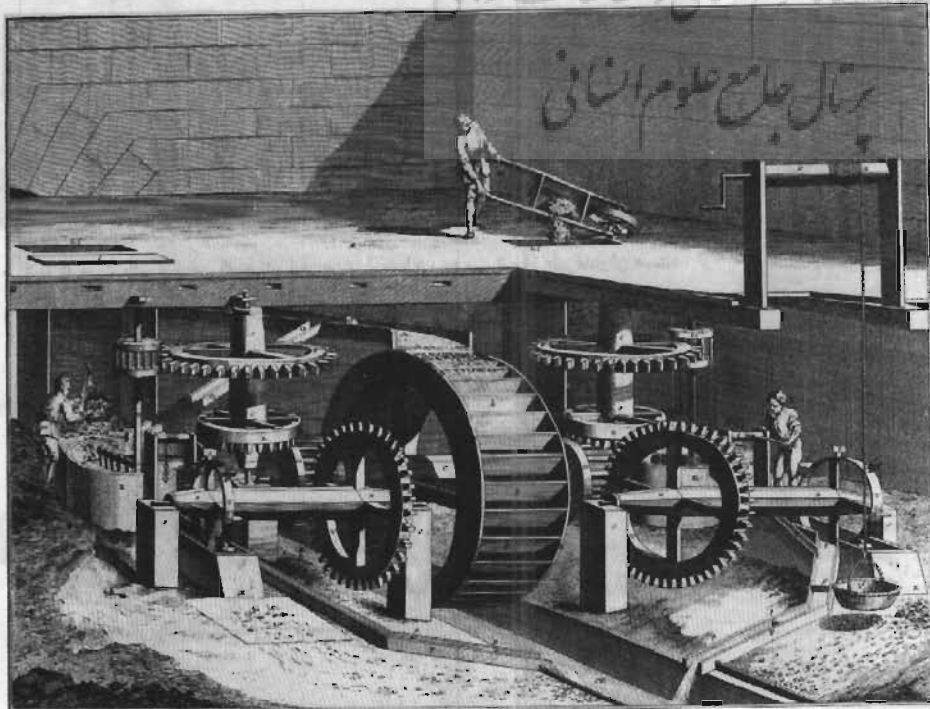
ژوزف دوپلن، کتابفروشی از اهالی لیون که اینک اداره امور شرکت را در دست گرفته بود در جزوه اطلاعاتی که قبل از چاپ رحلی آنسیکلوپدی (۱۷۷۷ تا ۱۷۹۱) توزیع کرد قول داده بود که نه تنها تمام متن اصلی را تجدید چاپ کند، بلکه از سه لحاظ نیز بهبود بخشد: غلطیهای متعدد چاپی و غیرچاپی کتاب اصلاح شود. مقدار زیادی مطلب جدید به کتاب اضافه گردد، و مطالب چهار جلد سلطانی ضمیمه در کتاب ادغام گردد. دوپلن به هیچ وجه نمی‌خواست چاپ سلطانی او را عیناً تجدید کند، بلکه مایل بود چاپ جدید و برتری از کتاب را پدید بیاورد، و با حداقل به مردم بقبولاند که چنین کرده است. اصلاح و افزایش و ادغام مطالب نیاز به مقدار زیادی کار ویرایشی داشت بنابراین در قرارداد وجود ویراستاری پیش‌بینی شده بود. دوپلن این کار را به آبه ژان - آنتوان دو لازر سپرد که متعلق به فرقه‌ای از کشیشان آزاد بود و از شخصیت‌های ادبی قدر دوم شهر لیون به شمار می‌رفت. لازر بدین سان جانشین دیدرو شد، و از طریق او بود که متن دیدرو به دست بیشتر خوانندگان در قرن هجدهم رسید.

لازر در بیشتر موارد متن را به حال خود رها کرد، نه به این خاطر که به آن احترام می‌گذاشت، بلکه برای اینکه وقت دست بردن در آن را نداشت. به شتاب کار می‌کرد؛ ارجاعاتی را که به هشت جلد تصاویر خارج از متن بود و این بار قرار بود تجدید چاپ نشوند حذف می‌کرد؛ بریده‌هایی از مجلدات ضمیمه را به همراهی جملاتی از نثر خودش به بدنه اصلی کتاب می‌چسباند؛ و ملغمه نهایی مطالب چاپی و دستنوشته را پیش از ارسال به مطبعه بازخوانی می‌کرد. از آنجا که پنج شش چاپخانه به صورت همزمان روی مجلدات مختلف کتاب کار می‌کردند، رساندن «خبر» به آنها تمام وقت لازر را می‌گرفت. چاپخانه پس از تهیه خبر و ماشین چاپ و حروف و کاغذ و چرم نوردهای مرکب و شمع و قلم و سنگ صفحه‌بندی و رانگا و صدها شیء دیگر نیاز به کارگر داشت تا کار را به



Imprimerie en Lettres, l'opération de la Casse

یک لوحه از تصاویر آنسیکلوپدی که یک کارگاه حروفچینی را نشان می‌دهد. بالا سمت چپ، حروفچین اول حروف فلزی (از قبیل حرف S و حروف فاصله به اندازه‌های مختلف را که در (۱) دیده می‌شود) از گارسه برمی‌دارد و به ورساد (۲) منتقل می‌کند تا یک سطر پُر شود. حروفچین دیگری (بالا در وسط) سطر چیده شده را به یک صفحه سینی شکل به نام رانگا منتقل می‌کند تا با سطرهای دیگر (۳) قسمتی از یک صفحه را پُر کند. بالا سمت راست، کارگر صفحه‌بند دو صفحه حروف چیده شده را کنار هم وسط فرم بسته است و دارد آن را برای چاپ آماده می‌کند.



لوحه دیگری از تصاویر آنسیکلوپدی که ماشین آلتی را که برای هستن سنگ آهن و پالودن ناخالصی‌های آن به کار می‌رود نشان می‌دهد.



جمعی از «اصحاب دایرة المعارف» زینتبخش تصویری شده است که گوشه‌ای از کافه پروکوپ پاریس را، نشان می‌دهد که مهدگاه بسیاری از شخصیت‌های ادبی زمان خود بود. از بالا سمت چپ مخالف حرکت عقربه ساعت؛ بوفن، ژیلپر، دیدرو، دالامپر، مرمونتیل، لوگن، ژان باتیست روسو، ولتر، بیرون و دولباخ.

در عصر کتاب چاپی کار دست نوعی توجه به کیفیت حروف وجود داشت که بعد از ظهور حروفچینی و چاپ خودکار از میان رفت. حروفچینی‌های آنسیکلوپدی نیز همچون اسلاف رؤسائش خود با انتقال حروف از گارسه به ورساد خبر را سطر سطر چیده بودند و بعد از انتقال سطور چیده شده از ورساد به رانگا صفحات را بسته بودند و سپس از کنار هم بستن صفحات، فرمهای چاپی را پدید آورده بودند. و حروفچینی و صفحه‌بندی از لحاظ سرعت و کارایی پیشرفت بیشتری نکرد تا سرانجام کار مکانیزه شد. اول با ماشینهای حروفچینی با حروف سری «سرد» در سالهای دهه ۱۸۲۰، و بعد با ماشینهای سطرچینی لاینو تایپ در دهه ۱۸۸۰، و امروزه با حروفچینی الکترونیک. کار چاپ هم از نظر فنی گامهای بلندی به سوی جلو برداشت تا اینکه ماشین چاپ استوانه‌ای در سال ۱۸۱۴ و نیروی بخار در سالهای دهه ۱۸۳۰ کمک آمدند. آنسیکلوپدی روی ماشین چاپ فشاری قدیمی به چاپ رسید، از همان دست ماشینهای که کتابها از دوست سیصد سال زودتر روی آنها چاپ شده بود.

برای پدید آوردن این کتاب لازم بود دنیایی به کار واداشته شود. کهنه جمع‌کن‌ها و سرمایه‌دارها و فیلسوفها هر کدام در ساختن این اثر که موجودیت جسمانی آن با پیام فکری‌اش تناظر داشت نقش بازی کردند. آنسیکلوپدی به عنوان یک شی فیزیکی و حاملی برای اندیشه‌ها، صدها هنر و علم را بازسازی کرد؛ آنسیکلوپدی جسماً و روحاً نمونه مجسم عصر روشنگری بود.

۱) در ژانویه ۱۷۵۹ دادستان کل پارلمان پاریس هشدار داد که در پشت آنسیکلوپدی توطئه‌ای برای از بین بردن مذهب و متزلزل ساختن حکومت پنهان است. پارلمان فوراً فروش کتاب را قدغن ساخت و کمیونی را مأمور تحقیق نمود. اما در فرانسه اختیار مواد چاپی با شخص پادشاه بود. روز ۸ مارس ۱۷۵۹ شورای عالی اداری با لغو امتیاز کتاب و منع ناشران از ادامه کار، صلاحیت پادشاه را مورد تأیید قرار داد. آنسیکلوپدی در فهرست کتابهای ممنوعه کلیسای کاتولیک قرار گرفت و روز ۵ مارس ۱۷۵۹ و در روز ۳ سپتامبر همان سال پاپ کلمنت دهم هشدار داد که هر مسیحی کاتولیکی که این کتاب را در اختیار دارد باید یا آن را به دست کشیشی بسوزاند، و خطر تکفیر را بپذیرد.

۲) علاوه بر شش روایت از متن اصلی دیدرو (سه نوبت تجدید چاپ در قطع سلطانی، یک نوبت در قطع رحلی و یک نوبت در قطع وزیری) بل از سال ۱۷۸۹ جمعا در تیراز نزدیک به ۲۴۰۰۰ دوره منتشر شده بود، دو اثر کاملاً متفاوت نیز آن را به عنوان نقطه شروع مورد استفاده قرار داده بودند: دایرة المعارف ایورون اثر فلیس. چاپ شده بین سالهای ۱۷۷۰ و ۱۷۸۰ در تیراز ۱۶۰۰ دوره و دایرة المعارف متودیک اثر پانکوک که در سال ۱۷۸۲ با تیراز تخمیناً ۵۰۰۰ نسخه طبع و نشر آن آغاز شده بود.

۳) ضمیمه آنسیکلوپدی در چهار جلد سلطانی متن و یک جلد تصویر در پاریس و آستردام در سالهای ۱۷۷۶ و ۱۷۷۷ با تیراز ۵۲۵۰ دوره منتشر گردید. ضمیمه هیچگونه ارتباط رسمی با خود آنسیکلوپدی نداشت و گروه تازه‌ای از مؤلفان و ناشران دست‌اندر کار آن بودند.

جریان بیندازند. چاپخانه به همان شیوه‌ای که وسایل و مصالح دیگر را تهیه می‌کرد کارگران را نیز سفارش می‌داد و با همان نوع مسائل عرضه و تقاضا روبه‌رو می‌شد. و علاوه بر آن می‌بایست با خصوصیات انسانی کارگران چاپ کنار بیاید که هیچ تصویری از اینکه دارند به استخدام شرکتی درمی‌آیند نداشتند. در عوض یک کار معین را قبول می‌کردند و برحسب موجود بودن کار و تمایل خودشان می‌آمدند و می‌رفتند. در جستجوی کار در صورت لزوم صدها کیلومتر هم سفر می‌کردند. زمانی که کار فراوان بود شغل خود را تغییر می‌دادند تا خرج سفر بگیرند یا برای اینکه به سادگی «دلشان می‌خواست». در سالهای رونق چاپ آنسیکلوپدی رفت و آمد کارگران آهنگ بسیار سریعی داشت و روی حرکت کارگران مهاجر در فرانسه و سویس و بخشهایی از آلمان اثر می‌گذاشت و در استخدام کارگر همانقدر رقابت ایجاد می‌کرد که در تهیه کاغذ.

از نظر روانشناسی، این نوع کار غیر استاندارد می‌بایستی تفاوت قابل ملاحظه‌ای با نوع کاری که در همان زمان بر طبقات زحمتکش انگلستان تحمیل می‌شد داشته باشد. در کارخانه‌های انگلیس آهنگ کار را عقربه ساعت و نواختن زنگ تعیین می‌کرد و یاز و بسته شدن درهای کارخانه، و نقره داغ و کتک و سرانجام نفس فریاند تولید، چون در سالهای بعد در تولید مکانیزه روی کمربندهای نقاله، افراد به سادگی تبدیل به «دستهای» می‌شدند که باید روی اشیایی که به صورت پایان ناپذیر و بی تفاوت از جلوشان رد می‌شد اعمالی انجام بدهند. حروفچین‌ها و کارگران چاپ حداقل به آهنگ دلخواه خودشان کار می‌کردند. روی تولید خودشان تاحدی می‌توانستند کنترل داشته باشند.

داشتن اندکی تسلط بر فرایند تولید به این معنی نبود که کارگران علاقه خاصی به اربابان واقعی آن پیدا می‌کردند. بورژواها بیشتر قدرت را در دست داشتند و آن را بیرحمانه به کار می‌بستند؛ استخدام و اخراج در یک چشم به‌هم زدن انجام می‌شد و کارگران با چند وسیله محدودی که در اختیار داشتند پاسخ می‌دادند. هر چند ممکن بود از حرفه خود احساس غرور کنند، اما هر گاه می‌دیدند انجام ندادن کاری زحمتشان را کم می‌کند میان‌بر می‌زدند یا کیفیت را پایین می‌آوردند. نتیجه کار، امروز در هر نسخه‌ای از آنسیکلوپدی که به دستتان برسد مشهود است؛ چاپ روشن و تمیز حروف در بیشتر کتاب ولی اینجا یک حاشیه کج داریم و آنجا شماره صفحه اشتباه، چاپ نامیزان، فاصله گذاری ناجور، غلطهای چاپی و لکه‌های مرکب که همگی شاهدانی هستند بر فعالیت صنعتکاران بی‌نام و نشان دو قرن پیش.